

## آمریکا خواستار تسلیم ایران است، نه مصالحه آن

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴/۰۷/۲۱/usa-zhdut-ot-irana-ne-kompromissa-a-kapitulacii-۲۸۵۷۳.html>

۲ مرداد- اسد ۱۳۹۳

حل و فصل پیش بینی شده برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۲۰ ژوئیه نهایی نشد. مذاکرات ایران با «۱+۵» (پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد باضافه آلمان) به ۲۴ نوامبر موکول گردید. این وقفه را آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان که در سطح وزیران خارجه در مذاکرات وین شرکت کرده بودند، پیشنهاد کردند. با اینکه وزیران امور خارجی روسیه و چین بدلیل اعزام معاونان خود، شخصا در مذاکرات وین حضور نداشتند، اما با رضایت ایران به این وقفه مخالفت نکردند. لحن اظهار نظرات پیرامون تأخیر ۴ ماهه مذاکرات در خصوص پرونده هسته ای ایران متفاوت است. در خوشبینانه ترین حالت، شاید، بتوان گفت که همه طرفها با نشست بعدی در ماه اوت موافقت بکنند. در مورد محل، تاریخ دقیق و قالب دور بعدی مذاکرات هنوز توافق نشده است.

تأخیر در گفتگوها بخودی خود نمی تواند زمینه حل مسئله را فراهم آورد. بعید است که در سالگرد توافق ژنو بر سر برنامه عمل مشترک طرفین، که حل و فصل برنامه هسته ای ایران را تنها از طریق سیاسی به ازای لغو تحریمهای بین المللی بر علیه جمهوری اسلامی تضمین می کرد، تغییر بنیادی در مواضع طرفین روی بدهد. پایان بی نتیجه مذاکرات را هم نمی توان منتفی دانست. اول- چون سند از تاریخ امضای آن یک سال اعتبار دارد، توافق نباید دیرتر از ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ حاصل شود. روشن است، که مذاکرات هم نمی تواند تا ابد ادامه یابد، چهار ماه باقی مانده، «آخرین فرصت» اعلام شده است. دوم- شرکت کنندگان غربی مذاکرات «۱+۵»، با اصرار بر بی اعتمادی به ایران، خودشان در راه پیشرفت مذاکرات مانع ایجاد می کنند. وزیر خارجه آمریکا، جان کری برغم انجام شش دور مذاکره از نوامبر سال گذشته، به ضرورت «تعهد ایران بر عدم تولید سلاح اتمی» همچنان اصرار می ورزد. موضع مشابهی را وزیر خارجه آلمان فرانک والتر اشتاین میسر اتخاذ کرد. او گفت: «تا پایان مهلت نقشه راه، ایران باید

ماهیت صلح آمیز تحقیقات هسته ای خود را ثابت نماید». آمریکا و اتحادیه اروپا هیچ توضیحی در مورد دلایل بی اعتمادی خود به تهران نمی دهند.

سرگئی ریابکوف معاون وزیر امور خارجه و رئیس هیئت نمایندگی روسیه، با همتایان غربی موافق نیست و تأکید می کند که «نقشه راه ژنو را همه طرفها از همان ابتدا بی وقفه رعایت می کنند. ایرانیها تمام مواردی را که متعهد شده اند، بطور کامل اجرا می کنند». وزیر امور خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز اوضاع را بطور متفاوت با مقامات آمریکا ارزیابی می کند. جواد ظریف اظهار داشت، که «اختلاف نظرات در مورد لغو تحریمها علیه تهران بسیار جدی است». چانه زنی آمریکا و ایران بعنوان محور مرکزی همه روند مذاکرات باقی مانده است، در عین دادن امتیازات بی سابقه به رژیم اسلامی، تهرات در صورت برسمیت شناخته شدن حق خود برای غنی سازی اورانیوم، لغو کامل تحریمها را در پایان راه می بیند. علی خامنه ای، رهبر دینی جمهوری اسلامی ایران بطور محکم و پایدار از موضع خود دفاع می کند: «...مطالعات و تحقیقات ایران در عرصه فن آوری هسته ای، تحت هیچ شرایطی تعطیل نخواهد شد. ایران باید برای مبارزه با دولتهای دشمن آماده باشد». این موضع قاطعانه را علی خامنه ای پس از شکست مذاکرات پیگیر ایران با کشورهای «۱+۵» و در رابطه با تعویق نشست آتی اعلام کرد.

بیجا نیست که ایران بیم دارد آمریکا و متحدانش از این فرصت برای تشدید پارامترهای زدوبند نهائی استفاده کنند. مثل اینکه هشدارهای تهران برای غرب کافی نیست، زیرا تهران ضمن موافقت با نظارت شدید بین المللی بر مؤسسات هسته ای خود، از حق مشروع خویش برای غنی سازی اورانیوم امتناع نمی کند. آمریکا خواستار آن است که ایران نیز درست مثل سوریه، که با محو کامل تسلیحات شیمیائی خود موافقت کرد، با برچیدن همه تأسیسات مرتبط با غنی سازی اورانیوم خود موافقت نماید. در متن توافقنامه کنونی حق تهران برای تولید و غنی سازی اورانیوم، اما «تحت نظارت»، مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، غرب تردید دارد که چنین نظارتی در شرایط جامعه بسته ایران مؤثر واقع شود. در این باره واشنگتن با این ارزیابی بنیامین ناتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل موافق است: «هر قراردادی که بخواهد حق ایران برای غنی سازی اورانیوم را برسمیت بشناسد، به فاجعه ایی برای آمریکا و دیگران تبدیل خواهد شد». ناتانیاهو به آمریکا هشدار می دهد: «نباید به رژیم آیت الله ها اجازه دستیابی به سلاح اتمی را داد». واقعا هم، بنظر می رسد اسرائیل دارای سلاح اتمی، آن قدر که از رشد قدرت اقتصادی غیرقابل پیش بینی تهران پس از لغو تحریمها می هراسد، از بمبهای اتمی ایران نمی ترسد.

با این حال، هنوز مسئله لغو تحریمها مطرح نیست. معاون وزیر خارجه روسیه، سرگئی ریابکوف در این باره اظهار داشت: «نمی توان انکار کرد که آمریکا و اتحادیه اروپا در ارتباط با تعلیق

افزایش بار تحریمها به اقداماتی برای تخفیف برخی از اجزاء فشارها دست زده اند». البته، از زمان شروع مذاکرات در پائیز سال گذشته، غرب از اعمال تحریم جدید علیه ایران خودداری کرده است، اما محدودیتهای قبلی همچنان بقوت خود باقی هستند. تحریمهای نفتی ادامه دارد، بانکهای ایران در انزوا از نظام مالی بین المللی و غیره بسر می برند. غرب باز هم ۸/۲ میلیارد دلار (دو میلیارد و هشتصد میلیون دلار) از دارائی های مسدود شده ایران در زمان اعمال تحریمها را آزاد کرد. اما این - پولهای دریافتی ایران برای محاسبات نفت است، که تا کنون به اندازه نیمی از حجم قبل از اعمال ممنوعیتهای برای واردات نفت از ایران نمی رسد. اینک آمریکائی ها آنقدر «مهربان» شده اند، که به ایران اجازه داده اند ماهانه ۵۰۰ میلیون دلار از حسابهای میلیاردی خود را برداشت نماید.

غرب معتقد است که تحریمها قادر به متوقف ساختن برنامه هسته ای ایران نیستند، و فقط رابطه غیرمستقیم با نتایج مذاکرات دارند. تحریمها چیز دیگری جز ابزار اعمال فشار و دیکتاتوری نیستند، که بکمک آنها دست ایران را می بندند. واشنگتن به ایران کاملاً دیگر، ایران حرف شنو و مدافع استراتژی آمریکا در خاورمیانه نیاز دارد. بطور مشخص می توان از سوریه، عراق، افغانستان و کشور منطقه خلیج فارس نام برد. راجع به تلاشهای کاخ سفید برای ایجاد شکاف بین تهران و مسکو، می توان بدون کمترین اغراق سخن گفت. برنامه هسته ای ایران همواره بدون هیچ دلیلی سیاسی شده و واشنگتن بهیچوجه خیال تغییر رژیم اسلامی را از سرش بیرون نمی کند. اکنون هم، با تعویق تصمیمگیری پیرامون لغو تحریمها، آمریکائیها سعی می کنند اعتماد جامعه ایران به دولت جدید برهبری حسن روحانی را بشکنند و با راندن تیم مذاکره کننده او به بن بست، فرصتهای بیشتری را برای مخالفان داخلی او ایجاد کنند. این دیپلوماسی آمریکائی بیش از ۳۰ سال است که ادامه دارد، و، ضمناً، نه تنها اقتصاد ایران را «فلج» می کند، حتی خسارات عظیمی به خود آمریکائیها وارد می آورد.

طبق گزارش کمیته ملی ایران - آمریکا، اقتصاد آمریکا در نتیجه تحریمهای اقتصادی علیه ایران و فرصتهای از دست رفته در عرصه صادرات در طول ۱۸ سال، ۱۷۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار زیان دیده است. بر اساس برآورد این ساختار غیرتجاری مستقر در واشنگتن که از لغو تحریمها علیه ایران پشتیبانی می کند، اقتصاد آمریکا در اثر ممنوعیت فروش کالاهای آمریکائی به ایران، در دوره زمانی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ سالانه از ۵۱ هزار تا ۶۶ هزار فرصت شغلی را از دست داده است. این مطالعات بطور انحصاری در اختیار وال استریت ژورنال قرار گرفت. کاخ سفید برای تأثیر گذاری حداکثری تحریمها علیه تهران، همیشه به هماهنگی با اروپا اصرار می ورزید. ظاهراً، ضرر و زیانهای اروپا بخاطر حمایت از دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی هم کم

نیست. تحریمهای خفیف مؤثر واقع نمی گردد و تحریمهای سخت نیز به زیان هر دو طرف تمام می شود. با این حال، وزیر خزانه داری آمریکا، جک لیو موظف است به حسابهای عمومی اتکاء نماید. بدنبال او کری نیز بصراحت اعلام کرد، که آمریکا برای لغو تحریمها علیه ایران عجله نخواهد کرد، زیرا تحریمهای اقتصادی علیه تهران، «اقتصاد این کشور را در تنگنا قرار داده» و «ابزار مؤثری در مذاکرات با تهران می باشد». در این مورد نیز هیچ چیز جدیدی در فرهنگ سیاست خارجی آمریکا دیده نشد. اگر به مذاکره حاصر می شود، فقط از موضع قدرت، دیکتاتوری و تهدید حرف می زند. تلاشهای دیپلماتیک وسیعا تبلیغ شده رئیس جمهور اواما در خصوص پرهیز از رو در روئی با تهران نیز روی همین پاشنه می چرخد: آمریکا خواستار تسلیم ایران است نه مصالحه آن.